

بررسی جرم انگاری ماهواره و فیلتر شبکه های اجتماعی و توالی فاسد آن بر تورم قوانین کیفری در پناه وجدان جمعی

محسن رضائی

وکیل پایه یک دادگستری شیراز و دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد ممسنی

چکیده

زمینه و هدف: در ایران مطابق قانون «ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره ۱۳۷۳/۱۱/۲۳» ممنوع است. دلایل توجیهی نمایندگان مجلس در جرم انگاری ماهواره، در یک جمع بندی کلی، موافقین طرح، به تأثیر ماهواره بر هویت فرهنگی، دینی و ملی، ارزش ها و بنیان خانواده و فتوای مراجع تقلید، استناد جسته اند و مخالفین به ناکارآمدی این قانون و برخوردهای فیزیکی و سلبی استناد کرده اند. جرم انگاری متعدد و موسع، از یک طرف باعث تضییع و تحدید حوزه آزاد رفتاری شهروندان و گسترش فضای تحت حاکمیت دولت می باشد و از طرف دیگر تورم قوانین کیفری حرمت قوانین کیفری را در افکار عامه می کاهد و باعث وهن قانون می شود. جرم زدایی بالقوه در پرتو فرایند برچسب زنی، کاهش کارایی مجازات ها، عدم دقت در نگارش قوانین کیفری، تورم جمعیت کیفری و... از دیگر توالی فاسد جرم انگاری متعدد و متکثر و متنوع است.

روش پژوهش: در این مقاله با توجه به ماهیت موضوع، به روش تحلیلی و توصیفی خواهد بود. پژوهشگر با مطالعه ی مجلات و مقالات علمی- پژوهشی و با تأکید بر کتب حقوقی معتبر، به گردآوری داده ها و فیش برداری به شیوه ی کتابخانه ای پرداخته است و سپس داده های حقوقی را پس از تحلیل و بررسی به نگارش در آورده است.

یافته های پژوهش: یافته های پژوهش بیانگر این است؛

۱- در جرم انگاری در خصوص استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره اهمیاتی نسبت به وجدان جمعی جامعه صورت نپذیرفته و این قانون با وجدان جمعی در اصطکاک است.

۲- نظام عدالت کیفری می تواند با تغییر سیاست جنایی تقنینی از طریق لحاظ وجدان جمعی جامعه و جرم زدایی در خصوص تجهیزات دریافت از ماهواره بتواند به چالش زدایی در این مقام بپردازد.

واژه های کلیدی: جرم انگاری ماهواره، وجدان جمعی، تورم کیفری، برچسب زنی

۱- مقدمه

با پیشرفت و گسترش علم در سراسر جهان دیگر وسیله ای نیست که توان مقاومت در برابر این موج گسترده را داشته باشد. رخنه‌ی علوم مختلف در همه‌ی ابعاد و فعالیت متخصصان باعث شده لحظه به لحظه با فناوری و تکنولوژی جدیدی در هر مقوله روبرو باشیم. ارتباطات نیز در این بین از همین قانون پیروی کرده است و وسایل ارتباط جمعی به صورتی سریع در حال تحول است؛ تا آنجا که جهان تصمیم می‌گیرد حقوقی را بر وسایل ارتباط جمعی حاکم کند تا مردم دنیا از گزند سوء استفاده برخی از مولودهای فناوری نوین متضرر نگردند. امروزه ماهواره به عنوان یکی از وسایل جذب اخبار و وقایع در سراسر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد و شاید کمتر واقعه‌ای رخ دهند و لحظه‌ی بعد تصویرش را میلیون‌ها کیلومتر آن طرفتر نبینیم. هر چه زمان پیشتر می‌رود تأثیر این وسیله بر ابعاد مختلف انسانی و اجتماعی نیز هویدا می‌شود. پیچیدگی تأثیرات این وسیله می‌طلبد که در این خصوص اهتمام کشورها هر چه بیشتر افزایش یافته و بررسی و مطالعه‌ی علمی را در ابعاد تأثیر این وسیله در دستور کار خود قرار دهند. با توجه به تفاوت‌های مذهبی، نژادی و ملیتی و... در سطح جهان موضع‌گیری هر کشوری در برابر موج گسترده‌ی تأثیر ماهواره متفاوت است؛ لذا نمی‌توان برخوردی یکسان را از سوی هر کشور انتظار داشت. کشور جمهوری اسلامی ایران در رویارویی با ورود این وسیله در عرصه‌ی ارتباطات موضع خود را در سال ۱۳۷۰ با جرم‌انگاری استفاده از این وسیله تعیین نمود و استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره را در داخل در حوزه و حریم جرائم کرد. ما نیز با توجه به اثرات مثبت و منفی این وسیله و نقش رسانه‌ها در توسعه و پیشرفت جوامع بر این شدیم تا بر این موضوع با تمسک به اصول کلی حقوق کیفری و نگرش جامعه‌شناسانه پردازیم و جرم استفاده از تجهیزات ماهواره را در بوته‌ی بررسی و تحقیق قرار دهیم امید این که توانسته باشیم در این تحقیق رسالت نسبی خود را در خصوص موضوع مذکور به انجام رسانده باشیم.

۱-۱- تعریف لغوی وجدان عمومی

وجدان در لغت به معنای یافتن مطلوب، نفس و قوای باطنی که خوب و بد اعمال به وسیله آن ادراک می‌شود. (عمید، ۱۳۸۸: ۱۱۴۵/۳) و همین معانی مورد نظر است.

عمومی: شامل شدن، همه را فراگرفتن همه و همگی منسوب به عموم آنچه منسوب به همگی مردم باشد؛ همگانی (عمید، ۱۳۸۸: ۱۱۵۶/۳) و معانی مذکور مورد نظر می‌باشد. ماهواره در لغت به معنای: قمر مصنوعی دستگاهی که از زمین به وسیله‌ی موشک به فضا پرتاب می‌شود و در ۴۰ هزار کیلومتری زمین به گردش درمی‌آید و در حال چرخیدن به دور خود، در هر ۲۴ ساعت یک مرتبه به دور زمین می‌گردد از ماهواره برای ارتباط‌های تلفنی، تلویزیونی، عکس برداری و هواشناسی و پاره‌ای از امور دیگر استفاده می‌شود ایران با ایجاد ایستگاه زمینی در اسدآباد از ماهواره‌ی اقیانوس اطلس استفاده می‌کند.

۱-۲- معنای اصطلاحی وجدان عمومی

اصطلاح وجدان عمومی در لسان جامعه‌شناسان خصوصاً امیل دورکایم جامعه‌شناس شهیر فرانسوی چنین تعریف می‌گردد: مجموعه اعتقادات و احساسات مشترک در میانگین افراد یک جامعه‌ی واحد دستگاه معینی را تشکیل می‌دهد که حیات خاص خود را دارد این دستگاه را می‌توان وجدان جمعی یا عمومی نامید. (دورکهایم، ۱۳۸۴: ۷۷) البته این دستگاه واجد خصلت‌های ویژه و پراکندگی در گستره‌ی جامعه است. وجدان عمومی را می‌توان چتری از ارزش‌های مشترک جامعه نامسد که در هر برهه از زمان قابل تغییر است و متناسب با ظهور هر ارزش تغییر می‌یابد.

۲- پیشینه ی تاریخی بحث

با عنایت به ظهور یکباره ی ماهواره در سطح کشور ایران در خصوص این بحث تاریخ خاصی موجود نیست. پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای و استفاده از این وسیله دیرزمانی است که در جامعه ی بین المللی محل بحث است. بصورت رسمی در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸ و بر اساس قطعنامه ی ۲۴۵۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد این بحث برای مطالعه و بررسی به کویپوس داده شد به هر حال علی رغم ۱۴ سال تلاش بی وقفه و مستمر کویپوس پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای باز در قالب قطعنامه ۳۷/۹۲ مجمع عمومی مورخ ۴ فوریه ۱۹۸۲ سرانجامی به دنبال نداشت و ژاپن توانست با پرتاب اولین ماهواره ی پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای تلویزیونی در سال ۱۹۸۴ ماهواره ی (Yari-2A) از رقبا ی زیر خود پیشی گیرد. از این به بعد پرتاب چنین ماهواره هایی یا سرعتی چشمگیر صورت می پذیرفت تا جایی که هزاران کانال ماهواره ای به پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای اختصاص یافته بودند. تا پیش از سال ۱۹۸۹، ماهواره ها غالباً سیستم های بالا و قدرتمندی نداشتند و دریافت سیگنال های ماهواره متضمن این بود که از آنت های گران قیمت و بزرگ استفاده شود اما هر چه از تاریخ مذکور بیشتر فاصله می یابیم ماهواره ها قدرت بیشتری می یابند و حجم آنتن ها نیز کوچکتر می شود و با ورود در عصر دیجیتال و انفجار اطلاعات ماهواره ها با کیفیت هر چه قوی تر و بهتر در این عصر خودنمایی می کنند.

در سال ۱۹۷۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اتفاق آراء (در برابر ایالات متحده ی آمریکا) تصمیم گرفت که بحث پخش مستقیم ماهواره ای با معاهدات بین المللی و با توجه به اصول و قواعد بین المللی تابع نظمی منطقی و صحیح گردد اما انعقاد عهدنامه ای بین المللی در خصوص پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای چندان ممکن نبود پس برای سامان بخشی به حقوق و تعهداتی که حاکم بر پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای است جز تمسک به حقوق بین المللی عرفی چاره ی دیگری به نظر نمی رسید. (زمانی، ۱۳۸۱: ۵)

در هر حال حدود سی سال است که در خصوص حقوق فضا تغییر چشمگیری به عمل آمده است و همکاری دولت ها در خصوص فضا که اقتضای وجود فضای جنگ سرد بوده به رقابت در گستره ی حقوق فضا تغییر یافته است. به هر حال مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ دهم دسامبر ۱۹۹۷ به موجب قطعنامه ی شماره ی ۵۲/۵۶ با تشکیل و برگزاری سومین کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص اکتشافات در استفاده ی صلح آمیز از فضای ماورای جو موسوم به یونی اسپیس سوم که از سوی کویپوس به مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد شده بود موافقت نمود و در همان قطعنامه مقرر شد که کنفرانس مذکور در تاریخ ۱۹ الی ۳۰ جولای ۱۹۹۹ به عنوان اجلاس ویژه در کمیته ی استفاده ی صلح جویانه از فضای ماورای جو سازمان ملل متحد در محل دفتر آن سازمان در وین پایتخت کشور اتریش برگزار شود. (رفیعی، ۱۳۸۴: ۲۰۶)

اما در ایران حقوق ارتباطات ماهواره ای چندان شناخته شده نیست و جایگاه مختلف خود را در میان سایر حقوق مختلف نیافته است حتی در دایره ی وسیعتر در حقوق ارتباطات نیز این نقض موجود است، بی تردید یکی از دلایل عمده ی این موضوع عدم توسعه ی ارتباطات خصوصاً ارتباطات ماهواره ای در کشور است. و سیاست تقنینی در راستای جرم انگاری آن قرار گرفته است و شهروندان جامعه در صورت استفاده در چرخهای دادگستری قرار میگیرند.

۳- مبانی نظری

سیاست جنایی تقنینی در واقع روشی است که قانون گذار در قانون گذار نسبت به اعمال نامشروع در نظام عدالت کیفری به خدمت می گیرد این عدم مشروعیت گاه به اعتبار شرع بوده و همچون جرائم حدی و جرائم مستلزم قصاص و دیات و برخی جرایم تعزیری برگرفته از آموزه های فقهی است و گاه به اعتبار گذر از آستانه ی گذشت جامعه و مطالبه ی شهروندان برای

ورود این اعمال در سیاهه ی قانونی تحت این عنوان جرم تلقی می‌گردد. حال سوال اینجاست کدام دلیل موجه در جرم انگاری ماهواره در اینجا وجود دارد؟

در هر حال سیاست جنایی تقنینی روشی است که نهاد قانونگذاری مشی خود را در رابطه با رفتار شهروندان تعیین می نماید باید دانست قانونگذاری در این مقام آن هم در قسم دوم محتاج تجویز و خواست افراد جامعه است؛ اینکه قانون به مسائلی بپردازد که فارغ از نظر و خواست درونی جامعه باشد نظام عدالت کیفری را با بی اعتمادی جدی روبرو می سازد؛ روش قانونگذاری در این مقام باید مبتنی بر حمایت از ارزش ها و اعتقادات و احساسات بهینه نهادینه ی جامعه باشد و هر چه روش مذکور از جامعه فاصله گیرد به همان میزان به سوی استبداد و یکجانبه گرایی پیش رفته است.

در هر کشور این روش مبتنی بر اصولی اتخاذ می گردد که در نهایت تبلور سیاست جنایی تقنینی دولت در پاسخ به پدیده ی مجرمانه است باید دید وضع قانون در حوزه ی پدیده مجرمانه تا چه حد می تواند پیش رود؟ و حدود قانونگذاری در باب رفتار شهروندان تا کجاست؟ کوچکترین واحد در جامعه به خانواده تغییر می شود و خانواده حوزه و حریم خصوصی افراد را در برمی گیرد در اسلام حیطة ای نیست که قانونگذار حکومت اسلامی مطلقاً از قانونگذاری در آن نهی شده باشد. (قیاسی، ۱۳۸۵: ۲۵۵) اما در مقابل ورود به این حوزه محتاج دلیل خاص و توجیه منطقی است بعلاوه با دقت در مفاهیمی چون عدم تجسس در امور افراد و حسن ظن به افراد و ویژگی ادله اثبات در جرائم جنسی یا اعتقادی و استفاده از ضمانت اجراهای اخلاقی و کند اینکه قانونگذار بدون عنایت به پذیرش و استفاده ی عاقلانه و صحیح از یک وسیله توسط افراد جامعه و در نظر داشتن ضمانت اجراهای اخلاقی و تقبیحی و سیاست های اجتماعی، قانون خود را یکباره در حریم و حوزه ی خصوص افراد داخل سازد و مصلحت اندیشی و گزینش را مبنای قانونگذاری خود قرار ندهد به هیچ وجه پذیرفته نیست.

پدرسالارانه برخورد نمودن نظام عدالت کیفری و تعیین امر و نهی این نظام در حوزه ی خصوصی افراد قانونگذاری را به سوی روشی خالی از درک قانونگذار از جامعه ی فعلی خود مبدل می سازد.

ادبیات قانونگذاری هیچگاه از هنجارها و ارزشهای جامعه ی خویش دور نیست؛ اما گاه قانونگذار این روش را به شکلی سلیقه ای و خارج از چارچوب منطقی خود به کار می گیرد این جاست که آنچه مورد حمایت قانون باید قرار گیرد و خود قربانی قانون می گردد با وجود کنوانسیون ها و موازین و موثقیق بین المللی در تأیید شناخت حق خلوت برای افراد و به علاوه سیاست های جنایی قضایی اسلام در کنترل و پیشگیری از پدیده ی مجرمانه در حریم خصوصی، قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در اتخاذ سیاست جنایی تقنین خود بدون الهام از جامعه و شرع و حتی حقوق پذیرفته ی بین المللی استفاده از ماهواره را به هر نحو جرم انگاری نمود و در حقیقت از هیچ سیاستی در وضع این قانون استفاده نجست، چون سیاست همیشه در پناه مصلحت اندیشی و تلفیق راهکارهای ممکن تبلوذ می یابد و در منع یکجانبه از سوی قانونگذار هیچ سیاستی به چشم نمی خورد، تا بتوان در این خصوص خود را قانع نمود.

۱-۳- وجدان عمومی در نظر دور کهایم

امیل دورکایم اندیشه پرداز فرانسوی سکیال پس از مرگ اگوست کنت جامعه شناس بزرگ فرانسوی در شهر فرانسوی کوچکی در مرز آلمان به دنیا آمد. (موسوی مجاب، ۱۳۸۶: ۷) این اندیشه پرداز بزرگ اعتقاد بر اصالت جامعه داشت بدین معنا که از کنار هم قرار گرفت انسانها موجودی حاصل می شود که جامعه نام دارد او تجسم و شاکله ی مجسم جامعه را انسان ها می دانست و بخشی از روح حاکم بر این جسم را مجموعه ای از اعتقادات و فرهنگ عمومی تلقی می نمود که این بخش را به وجدان عمومی تعبیر می ساخت این روح در نظر او تبلور و تجلی وفاق عمومی در جامعه بود در نظر دور کهایم جامعه بدون

مجرم معلول ساز و کارهای کنترلی شدید است در چنین جامعه ای عدم وجود جرم نه به لحاظ انتخابی است که شهروندان در دو محور رفتار هنجارمند و غیرهنجارمند دارند، خیر؛ بلکه عدم وجود جرم به معنای به انفعال کشیده شدن جامعه است چون نظارت شدید و کنترل فزاینده در هر جنبه از زندگی شهروندان رخنه دارد و جایی برای انتخاب نمانده است. (سلیمی، ۱۳۸۶: ۴۷۸)

در هر حال در نظر دورکایم جوامع به دو بخش تقسیم می شوند ابتدا جوامع بدوی و سنتی و دوم جوامع مدرن و غیرسنتی هر کدام از این دو جامعه با همبستگی خاصی آراسته شده اند در جوامع سنتی به لحاظ وجود مقررات شدید و حدت مدارانه و سازمان در هم پیوسته در این جوامع و به علاوه روابط و ارتباطات قوی و عمیق مبتنی بر مجانست فرهنگی و شراکت افراد در باورها، ارزش ها، وظایف شغلی یک همبستگی مکانیک متصور است و همنوایی در این نوع جامعه مبتنی بر تشابه شکل می پذیرد؛ شباهتی که در عقاید و وظایف و باورهای مشترک ریشه دارد. در این جوامع وجدان عمومی و جمعی با حساسیت زیادی شکل پذیرفته و قوت بیش از پیش آن سبب شده که کمتر در معرض خدشه و آسیب قرار گیرند متأثیر از این حساسیت در وجدان عمومی انتخاب کیفرها غالباً در این جوامع سخت و شدید و سرکوب گرانه خواهد بود. (سلیمی، همان: ۴۷۹)

در مقابل در جوامع صنعتی به لحاظ عدم مجانست قومی، دینی و باوری و تفاوت در وضعیت اقتصادی و فرهنگی و تخصص شدن مشاغل همبستگی به شکل ارگانیک وجود دارد و فردگرایی بیشتر در این سطح به چشم می خورد و فرد چون جوامع سنتی تابعیت از فرمان های اجتماعی نمی کند. همنوایی در این جوامع می رسد بدین ترتیب با تنزل سطح حساسیت در وجدان عمومی کنترل اجتماعی کاهش یافته و کیفرها با محوریت اصلاح و تسامح طرح می گردند. (سلیمی، همان: ۴۸۰) اما در هر حال قطع نظر از ضریب استحکام وجدان عمومی در هر جامعه که در وجود آن شکی نخواهد. امروزه با توجه به انگاره ها و آموزه های مذهبی و ریشه دار در جامعه ی ایران هنوز می توان این جامعه را سنتی پنداشت و وجدان عمومی را در آن زنده و مبتنی بر ارزش ها و اصول اجتماعی مشترک می دانست پس هنوز می بایست به این وجدان اعتماد نمود و آن را آینه تمام نمای خواسته های اجتماعی و ضرورت های روز بدانیم؛ و این مطمئن ترین و صادق ترین همراه برای هدایت کارگزاران نظام عدالت کیفری در کشور است.

دورکایم اعتقادات و احساسات مشترک در میانگین افراد یک جامعه ی واحد را موجود دستگاه معینی می داند که حیات خاص خود را دارد و از این دستگاه به وجدان جمعی یا عمومی یاد میکند. این دستگاه بر این پایه بستر مادی واحدی ندارد و به شکلی پراکنده تمامی گستره ی جامعه را تحت شمول خود قرار می دهد. این دستگاه متأثر از شرایط و اوضاع و احوال خاص افراد نیست و نسبت به گذر افراد استقلال خود را حفظ می کند. (دورکهایم، پیشین: ۷۷)

در شهرهای بزرگ و کوچک و شمال و جنوب همان است و با تعویض نسل تغییری در آن پدید نمی آید و حتی عامل پیوند نسل های پیاپی با یکدیگر است ولی در عین حائل از وجدان های فردی ممتاز است. وجدان جمعی خصوصاً در جوامع پیشرفته بخش محدودی از وجدان اجتماعی است وظایف قضایی، حکومتی، علمی، صنعتی و خلاصه تمامی وظایف همه از نقش های روحی اند زیرا عبارتند از دستگاههای از تصورات و اعمال، و بی تردید همه ی اینها از دامنه ی وجدان عمومی خارجند پس وجدان عمومی مبین همانندی اجتماعی به نحوی خاص است. پس جرم در این مقام عملی است که حالت های قوی و شفاف وجدان عمومی را مخدوش می سازد. عملی جرم است؛ چون با انکارهای مشترک و عمومی در تعارض است پس نتیجه ی مجرمانه بودن تضاد نیست، بلکه نتیجه ی تضاد مجرمانه بودن عمل است. (دورکهایم، پیشین: ۸۱)

در خصوص احساسات جمعی و وجدان عمومی قاعده‌ی واحدی وجود ندارد و صرف نظر از خاستگاه آنها و درجه‌ی معینی از شدت و پیوند این احساسات در همه‌ی وجدانها ریشه دارند و هر عملی که این احساسات را جریحه دار سازد جرم محسوب می‌گردد. وجدان عمومی به معنای این نیست که چون جامعه عملی را می‌پسندد ریشه در احساسات جمعی دارد و جزو وجدان عمومی محسوب می‌گردد مورد پسند جامعه قرار می‌گیرد لذت و درک جامعه نسبت به هر عملی مشتقاتی است که بعداً پیدا شده است اما با همه‌ی اینها موارد یافت می‌گردد که بیان مذکور برای آنها کافی نیست. اعمالی وجود دارد که در عقیده‌ی عمومی چندان مطرود نمی‌باشد اما به شدت منکوب می‌شوند به عنوان مثال اعتصاب کارمندان، تخطی مراجع قضایی از وظایف خود معمولاً مغضوب و مطرود وجدان عمومی نیست اما به صورتی سرکوب‌گرایانه با آنها برخورد می‌گردد. در موارد مذکور، گرچه وجدان عمومی مخالف مجازات نیست اما اگر به حال خودش رها گردد یا سخت‌گیری بدین شدت نشان نمی‌دهد و یا سخت‌گیری کم‌تر است پس در نتیجه در تمامی موارد از این دست مجرمیت ناشی از احساسات جمعی جریحه دار شده و یا کاملاً ناشی از آن نیست بلکه علت دیگری دارد. (دورکهایم، پیشین: ۹۱)

البته اثبات شی‌نافی در ادا نیست و در هر حال توجه به وجدان عمومی در فرایند جرم‌انگاری از لوازم قانون‌گذاری خصوصاً در باب تعزیرات (که ۹۵٪ از جرایم را تشکیل می‌دهند) محسوب می‌شود. قدرت حکومتی نیز در بدو شکل‌گیری فی‌نفسه باید در جهت تکریم اعتقادات و سنت‌ها و اعمال جمعی باشد و از وجدان عمومی در برابر تجاوزات دفاع نماید؛ لذا قدرت حکومت به نماد و مظهر زنده‌ی وجدان عمومی تبدیل می‌شود و نیروی حیاتی موجود در وجدان عمومی به قدرت حکومت انتقال می‌یابد، همچنانکه معانی به کلمات مبین آنها انتقال می‌یابند بدین ترتیب قدرت حکومت تجسم وجدان عمومی است. و قدرت حکومت مولود وجدان عمومی خواهد بود و از آنجا که آن چیزی جز زاینده‌ی وجدان عمومی نیست؛ از همان خواص برخوردار است پس قدرت حکومتی همه‌ی توان خویش را برای تعیین جرایم و بزه‌ها از وجدان عمومی می‌گیرد، پس در هر جامعه‌ی که وجدان عمومی نقش تعیین‌کننده‌ی بیشتری دارد و نظام عدالت‌کیفری از آن کمتر فاصله گرفته است و از سرچشمه‌ی خود دور نیفتاده جرم‌انگاری منطقی‌تر و متناسب‌تر و نتیجه‌بخش‌تر صورت می‌پذیرد. (دورکهایم، پیشین: ۱۰۱)

مع الوصف اگر مقررات منشور ملل متحد و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را تبلور و تجلی عمومی بین‌المللی بدانیم به نحوی که در مقررات منشور ملل متحد آمده است «یکی از اهداف ملل متحد حصول همکاری بین‌المللی برای پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان، مذهب است.» و نیز در اعلامیه‌ی حقوق بشر آمده است: «هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظاتی مرزی آزاد باشد.» چگونه می‌توان وجدان بین‌المللی را که برخاسته از ارزشها و اعتقادات مشترک تمام جهان است و انسجام آن به اعتبار نوع بشر بی‌ظیرترین به شمار می‌آید را از نظر دور داشت. و بعضی ملاحظات سیاسی و یک‌سویه را بر آن مقدم شمرد آزادی بیان و گردش اطلاعات در میثاق‌های متعدد بین‌المللی و معاهدات منطقه‌ای تأکید شده است. که مجال طرح آنها در این مقام نیست.

اما چگونه قوای عمومی کشوری می‌توانند با عدم شناسایی چنین حقی یک‌جانبه‌ملتی را به محرومیت از این حق وادار سازند خود جای تأمل دارد حال آنکه عاقلانه نیست جمهوری اسلامی ایران از سویی به توشیح و تأیید موازین و مواثیق بین‌المللی در

- ماده ۱، بند ۳ منشور ملل متحد

- ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر

خصوص آزادی بیان و گردش اطلاعات بپردازد اما در قانونگذاری در این مقام ملت را بدون در نظر گرفتن وجدان عمومی بین المللی که خاستگاه اصلی چنین موازین و مواثیقی است از برخورداری از استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره محروم نماید. اگر قدری به نظر اندیشه پرداز بزرگ امیل دورکایم برگردیم خواهیم دید که او قوای عمومی را مولود و مظهر اعمال وجدان عمومی می دانست پس باید نتیجه گیری نمود در سطح جهان هر حکومتی جز تبلور وجدان عمومی بین المللی چیز دیگری نیست و نادیده انگاشتن وجدان عمومی بین المللی و اعمال هرگونه نظری خالی از احساسات و عواطف جمعی مشترک شش میلیارد انسان قابل لرزش خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران به اعتبار تهاجم فرهنگی به جای ورود در صحنه ی بین المللی و اعتراض در خصوص نقش حاکمیت فضایی خود و هجوم موج گسترده ی ماهواره بر پهنه فضای تحت حاکمیتش از سوی کشورهای توسعه یافته و واحد ابزارهای نوین و قدرتمند فضایی و تأکید بر حدود حق حاکمیت دولتها بر فضای بالای خود، اسهل طرق را انتخاب نموده است، و با جرم انگاری در خصوص استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره سعی در پوشاندن و استقرار انفعال خود در این مقام در صحنه ی بین المللی دارد بعلاوه در این راستا ایران سعی کرد با اجازه ی کانال های ماهواره ای و راه اندازی دو شبکه ی سحر و جام جم در جهت پخش برنامه های تلویزیونی خود در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸ یک تنه در برابر تهاجم فرهنگی و ورود بی حد و حصر اطلاعات بایستد که البته با آشکار شدن مطالعات آماری در نهادهای مختلف که در پایان این مبحث خواهد آمد مهر رد بر همه ی این اقدامات زده شد. (بردبار، ۱۳۸۴: ۵۷)

۲-۳- جان شن شک و اصول جرم انگاری

جان شن شوک، پیرامون آزادی سه معیار مهم در جرم انگاری را عنوان می کند:

۱-۱ فیلتر اصول نظری

لازم است مقام تقنین براساس یک سری اصول نظری و توجیهات متقن و محکم ثابت کند که حق مداخله در حقوق شهروندان از طریق محدودیت یا ممنوعیت را از منظر حقوق کیفری دارد.

۲-۱ نگاه حداقلی

بعد از اثبات توجیهات تئوریک و نظری جرم انگاری، لازم است مقام تقنین رفتارهایی را جرم انگاری کند که واجد کمترین خطر و زیان برای شهروندان باشد.

۳-۱ نگاه پیشگیرانه

لازم است مقام تقنین تمامی راه های پیشگیرانه را مورد استفاده قرار دهد؛ آنگاه بشرط عدم کارایی و کافی نبودن آنها بصورت حداقلی از حقوق کیفری استفاده کند.

انحراف (Ladeviance) از منظر جرم شناسی شکست هنجارهای اجتماعی مقبول کافه افراد جامعه است هنگامی که عملی به اعتبار تعارض با انگاره های اجتماعی و جامعه ی ناقص اصول ارزشمند اجتماعی شد از آن به انحراف (کژروی) یاد خواهد شد البته باید دانست انحراف بیشتر جنبه ای اخلاقی دارد و واجد ضمانت اجرای کیفری نیست؛ لیکن سرزنش اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. (موسوی مجاب، ۱۳۸۸: ۴۵) اما هنگامی که عملی از آستانه ی گذشت نظام اجتماعی گذشت افراد جامعه از نظام عدالت کیفری که حافظ ارزش ها و انگاره های اجتماعی مشترک جمعی است مطالبه ی ضمان اجرای کیفری می نمایند اینجاست که انحراف از وصف خود خارج شده و اتصاف به وصف مجرمانه می یابد. اما یک فرایند جرم انگاری بالغ از سوی نظام عدالت کیفری در بستر قانونگذاری می بایست منطبق بر استخراج ارزش ها و اعتقادات عمومی از سوی نهاد اعمال کننده باشد،

تا بتواند تأمین کننده ی اهداف و اصول خود در این مقام به نحوی صحیح گردد، و در غیر اینصورت تاخت و تاز نظام عدالت کیفری در عرصه ی جرم انگاری بدون عنایت مستمر و واقع بینانه بر وجدان عمومی و پذیرفته های اجتماعی گاه زاینده ی قوانینی که است نه تنها تاب مقاومت در برابر پدیده مجرمانه را ندارد؛ بلکه به جرم زایی در سطح جامعه می انجامد. باید دید در جرم انگاری بار اثبات در دوران وظیفه ی مقنن و آزادی شهروندان بر دوش کدامیک مستقر می گردد. آیا باید وظیفه ی قانونی بر عهده ی شهروندان بار نماییم یا آنان را آزاد گذاریم؟ پاسخ این که این بار بر دوش مقنن بوده و اجبار شهروندان همواره نیازمند توجیهات و دلایل خاص است. جرم انگاری صحیح از سوی قانونگذار باید بر اصول علمی و واقعی متکی باشد در این مقام اصول پلایش مورد نظر قرار می گیرد. در فرایند جرم انگاری مبتنی بر پلایش ابتدا تأکید بر فیلتر اصول می گردد در این فیلتر در این فیلتر اصول حاکمیت دولتی تبیین می شود؛ بدین معنا که عمل تحت لوای صلاحیت های اصل حاکمیت دولتی قرار می گیرد یا خیر؟ در فیلتر بعدی که از آن به فیلتر پیش فرضها یاد می گردد کنکاش پیرامون این نکته است که کنترل اجتماعی در خصوص کاهش عمل مذکور آیا موجود است یا خیر؟ و قبل از اینکه سیستم عدالت کیفری متکفل کنترل و واکنش در برابر عمل مذکور گردد می توان از راهکارهای کنترلی دیگر مساعدت جست؟

پیش فرض مذکور بر اصل را بر آزادی شهروندان و موارد تجدید آزادی را محدود به موارد مثبت می داند در این فیلتر نقش نظام عدالت کیفری در جرم انگاری نقش استثنایی و محدود است جایی که عمل از حوزه ی کنترل دیگر نهادهای اجتماعی و راهکارهای دیگر خارج است؛ آخرین راه تمسک به جرم انگاری از سوی نظام عدالت کیفری است در فیلتر سوم کارکردها مورد بررسی قرار می گیرد اینکه جرم انگاری عواقبی خواهد داشت یا خیر؟ در اینجا بحث در نتایج پیش خواهد آمد که باید مدبرانه نسبت به آن توجه شود می بایست نتایج انگاشت یک جرم طی این فرایند ترسیم گردد و موج برخاسته از این فرایند در سطح جامعه، مسبوق بر جرم انگاری عمل مورد مذاقه قرار گیرد. (موسوی مجاب، پیشین: ۱۲)

مع الوصف با گذشت عملی از فیلترهای پیش گفته پلایش به عنوان یک روند، جهت تصمیم گیری برای جرم انگاری جایگاه خود را یافته است. و عمل مجوز ورود در گفتمان قانونی بعنوان جرم را می باید، با دقت نظر در این فرایند و لزوم شناخت قانونگذار نسبت به وجدان عمومی جامعه که در تلازم با جرم شناختن هر عملی است؛ درخواهیم یافت که جرم انگاری پیرامون تجهیزات ماهواره ای بدون هیچ وقت و درایتی و بدور از اصول حاکم بر این فرایند صورت پذیرفته است.

در نمونه گیری تصادفی سال ۱۳۷۳ تنها ۳ هزار آنت بشقابی را بر پشت بام مشخص کرد اما این تعداد بعد از روند جرم انگاری در سال ۱۳۷۸ به ۵۰۰ هزار آنتن افزایش یافت و اکنون سخن از بیش از چندین میلیون گیرنده ی برنامه های ماهواره ای است به طور قطع به دلیل ممنوعیت و محدودیت های ناشی از این جرم آمار متفاوتی در این زمینه وجود دارد بنابراین علی رغم ممنوعیت قانونی، ماهواره های مخاطبان خاص خود را یافته اند، در آخرین نظرسنجی در بهمن ۱۳۸۰ در شهر تهران ۶۲/۶ درصد از افراد نمونه ی مورد بررسی اظهار کرده اند که برنامه های ماهواره ای را تماشا نموده اند و ۴۹/۸ درصد دیگر گفته اند که تمایل به تماشای برنامه های ماهواره ای دارند. (رسولی، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

نظرسنجی ها خود گویای این حدیث روشن است که همچنان با وجود ضمانت اجرای کیفری برای استفاده از آنتن های ماهواره ای گرایش افراد به استفاده افزایش یافته پس بنابراین جرم انگاری قانونگذار را نمی توان در این مورد مبتنی بر استخراج و توجه به وجدان عمومی جامعه ی ایران و ضرورت های اجتماعی و بررسی های علمی دانست.

۴- مبانی قانونی

۵-۱- برای بررسی قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره

در حال حاضر دریافت برنامه های ماهواره ای در ایران مطابق قانون «ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره ممنوع است» ۱۳۷۳/۱۱/۲۳ ممنوع است. این قانون در ۲۹ شهریور ۱۳۷۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در ماده ۱ قانون مزبور آمده است: «به موجب این قانون ورود، توزیع و استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره جز در مواردی که قانون تعیین کرده است، ممنوع می باشد.» (حجتی اشرفی، ۱۳۸۵: ۹۲)

شمول ممنوعیت مزبور عمومی نیست، بلکه برخی دستگاهها و سازمان ها با اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می توانند از تجهیزات دریافت از ماهواره استفاده نمایند. ماده ۷ قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات ماهواره مقرر می دارد: «دستگاهها و سازمان هایی که برای انجام وظایف قانونی خویش لازم است از تجهیزات دریافت از ماهواره استفاده نمایند، باید مجوز لازم را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هماهنگی وزارتخانه های اطلاعات و پست و تلگراف و تلفن کسب نمایند.» با توجه به اطلاق کلمه «دستگاهها و سازمانها»، هم دستگاهها و سازمان های دولتی و هم دستگاهها و سازمان های غیردولتی می توانند طی فرایند اخذ مجوز موضوع ماده ۷، تجهیزات دریافت از ماهواره را بکار گیرند. برخی مراکز دولتی، نظیر سازمان صدا و سیما و وزارت پست و تلفن و تلگراف و سازمان های وابسته به طور کلی از شمول این قانون مستثنی بوده و نیازی به اخذ ندارند. (ماده ۶)

در مواد بعدی قانون یاد شده، مجازات دریافت کنندگان غیرمجاز برنامه های ماهواره ای و نیز سایر عوامل مرتبط با آن را بیان داشته است. ماده ۸ قانون مزبور مقرر می دارد: «وارد کنندگان، تولید کنندگان و توزیع کنندگان تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره ی اموال مکشوفه توسط دادگاهها به مجازات ده تا یکصد میلیون ریال محکوم می گردند.» ماده ۹ در مورد کاربران تجهیزات دریافت از ماهواره اشعار می دارد: «استفاده کنندگان از تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره ی اموال مکشوفه به مجازات نقدی از یک میلیون تا سه میلیون ریال محکوم می گردند...» در ادامه ی این ماده آمده است «حمل و نگهداری نصب و تعمیر تجهیزات دریافت از ماهواره ممنوع و مرتکبین به مجازات نقدی از یک تا پنج میلیون ریال محکوم می گردند.»^۳

آیین نامه اجرایی قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره نیز در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۷۴ به تصویب هیأت وزیران رسید. در ماده ۱ آیین نامه آمده است: «مجوز استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با نظرخواهی از وزارت خانه های پست و تلگراف و تلفن (برای صلاحیت های فنی) و اطلاعات (برای صلاحیت های امنیتی) صادر خواهد شد. وزارتخانه های پست و تلگراف و تلفن و اطلاعات موظفند ظرف پانزده روز از زمان تقاضا نسبت به درخواست های واصل شده اعلام نظر نمایند. پس از پایان مهلت تعیین شده در صورت عدم اعلام نظر دستگاههای فوق، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجاز به ارائه ی مجوز خواهد بود.»

یکی از نکات جالب توجه قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره ها و آیین نامه ی اجرایی آن، این است که در قانون مزبور تنها سازمان صدا و سیما و وزارت پست و تلگراف و تلفن و سازمان های وابسته به آنها از شمول این قانون استثناء شده اند و از نمایندگی های سیاسی و کنسولی کشورهای خارجی و سازمان های بین المللی سخنی به میان نیامده است. و قانداً باید این سازمان ها نیز مجوز لازم را اخذ نمایند. این نقیصه در آیین نامه ی اجرایی این گونه تحلیل شده است که این واحدها مطابق حقوق بین الملل از شمول این قانون مستثنی هستند. در ماده ی ۲ آیین نامه آمده است:

۳ - مجموعه قوانین چهارمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، تنظیم اداره ی کل قوانین، چاپ مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۸-۲۳۰

«وزارت امور خارجه مشخصات و اسامی نمایندگی های سیاسی و کنسولی کشورهای خارجی و سازمان های بین المللی را که بر اساس حقوق بین المللی از شمول مفاد این قانون مستثنی هستند، به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام می کند». در حالی که منشأ لزوم اعلام اسامی این مراکز آن هم به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشخص نیستند؛ زیرا وزارت ارشاد نقش اعطا کننده مجوز را دارد و این واحدها مجوز لازم را ندارند، صلاحیت های امنیتی هم که در اختیار وزارت ارشاد نیست، به نظر می رسد آیین نامه یاد شده می خواسته به نحو تلویحی نقض قانون مزبور را برطرف نماید.

ماده ۳ آیین نامه مقرر می دارد: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به طور مستمر و رسمی مشخصات استفاده کنندگان مجاز از تجهیزات دریافت از ماهواره و تغییرات آنها را به وزارت کشور اعلام می نماید تا وزارت کشور نسبت به جمع آوری تجهیزات استفاده کنندگان غیرمجاز معرفی آنان به مراجع قضایی اقدام کند».

در ماده ۱۴ آیین نامه مزبور آمده است: «دستگاهها و سازمان ها می توانند با ذکر دلایل توجیهی به امضای بالاترین مقام اجرایی خود برای استفاده از تجهیزات گیرنده برنامه های تلویزیونی ماهواره ای از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درخواست مجوز کنند.» (منصور، ۱۳۸۷: ۱۸۵۶) تبصره ی این ماده مسئول واحد استفاده کننده از تجهیزات مزبور را در برابر هر نوع استفاده ی غیرقانونی پاسخگو دانسته است.

با امکان دریافت مستقیم برنامه های تلویزیونی توسط آنتن های ماهواره ای با اینکه قیمت این آنتن ها پایین نبوده اما تعداد قابل توجهی از مردم به سمت استفاده از برنامه های مستقیم تلویزیونی ماهواره ای روی آوردند، این مسئله باعث شد تا وضعیت فقدان قانون درباره ی جواز منع دریافت مستقیم برنامه های ماهواره ای دچار دگرگونی شود و مجلس شورای اسلامی طرح ممنوعیت استفاده از ماهواره را به تصویب رساند. چه قبل و چه بعد از تصویب این قانون و حتی تا امروز درباره ی شیوه ی برخورد با پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی از طریق ماهواره مباحث گسترده ای صورت گرفته است.

۱-۴- بررسی مذاکرات نمایندگان مجلس در خصوص استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره

برای شناخت مبانی قانونی ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مناسب است مذاکرات نمایندگان طراح قانون فوق، موافقان و مخالفان آن مورد بررسی قرار گیرد:^۴

در گروه نخست اعم از مخبر کمیسیون، موافقان و نماینده ی دولت، سخنانی مطرح گردیده که مهمترین آنها «نگرانی مردم متدین» و «فتوای مرجع تقلید» بوده و علاوه بر آن گفته اند:

- «ماهواره نفی کننده هویت فرهنگی و دینی و ملی جوامع بشری است».

- «ماهواره بنیان خانواده ها را متزلزل می کند».

- «ماهواره خلق و خوی ذلت پذیری را در جوامع القاء می کند».

- «شما به بیمارتان می گوئید (قبل از اینکه او را معالجه کنید) رژیم بگیرد، می گوئید محیطش آلوده نباشد... چطور در اینجا... نظر دیگری دارید؟»

- «در ماهواره حق انتخاب نداریم ولی در ویدئو داشته ایم».

- «ما مأمور به موضع هستیم. ما باید موضعمان را بگوئیم البته تلاش بکنیم که اجرا شود. حالا می خواهد این محقق بشود یا نشود.»

- برای اطلاع از متن کامل مذاکرات به روزنامه رسمی شماره ۱۴۴۴۶ و شماره ۱۴۴۴۹ درباره ی مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در جلسه ی^۴

۲۵۳ و ۲۵۴ مورخ ۲۹ شهریور ۱۳۷۳ رجوع شود.

- «چرا بگذاریم این سربازان مهاجم [امواج] بدون ویزا وارد کشور ما بشوند؟»
- «رأی گیری در این باره قطعاً دارای بار سیاسی و اجتماعی گسترده است.»
- از سوی دیگر رئیس اظهارات مخالفین طرح فوق به صورت نقل مستقیم عبارت است از:
- «بیشتر استان های مرزی، از شبکه ی کشورهای همسایه استفاده می کنند، بدون اینکه آنتن عادی راه داشته باشند. اما بررسی کنید، از نظر ناهنجاری، خیلی از شهرهایی که در مرز واقع شده، مقام دوم را دارد. در واقع بهترین شهرهاست.»
- «با این برخوردهای فیزیکی، در گذشته هم شاهد بودیم که موفق نبوده ایم، نمونه اش تجربه ای بوده که درباره ی ویدئو داشته ایم... ممانعت از ماهواره، مشکلتر از ممانعت و جلوگیری از ویدئو است.»
- «بهترین راه برای مقابله، مقابله عملی است. دادن برنامه ها و ارائه ی طرح های متنوع و جذاب به گونه ای که ملتمان را از نیاز و علاقه ی دیگران و برنامه های دیگران غنا بخشد. از طرف دیگر تقویت بنیه ی اقتصادی و احیاء غیرت فرهنگی و ملی مردم است.»
- «تصویب این قانون کوچکترین تأثیری در [استان های مرزی] نخواهد داشت و [بخش های مرکزی هم] برخی از دستگاههای دولتی و همچنین اقشار مرفه و بی درد جامعه از آنتن های ماهواره ای استفاده می کنند و توده ی مردم اصلاً در کشور ما مشکلی به نام ماهواره وجود ندارد. ما خودمان با طرح این قضیه آن را بزرگ کرده ایم.»
- «اگر این قانون تصویب شود، ما به عینه می بینیم روزی را که باز مجلس تشکیل جلسه بدهد و اجازه استفاده از ماهواره را مجدداً مانند استفاده از ویدئو مطرح بکند.»
- «بگذارید ما از برنامه های خوب این آنتن ها استفاده بکنیم.»
- در یک جمع بندی کلی، موافقین طرح به تأثیر ماهواره بر هویت فرهنگی، دینی و ملی، ارزش ها و بنیان خانواده و فتوای مراجع تقلید، استناد جسته اند و مخالفین به ناکارآمدی این قانون و برخوردهای فیزیکی و سلبی استناد کرده اند.
- برخی از صاحب نظران بر بعد منفی ماهواره تأکید نموده اند و ماهواره را ابزاری برای تبلیغ کالاهای خارجی در حوزه ی اقتصاد و تجارت دانسته و آن را موجب گرایش به استفاده ی روزافزون از این کالاها و در پایان ورشکستگی اقتصاد و تولید داخلی می دانند در زمینه ی نظامی، سیاسی نیز می تواند در هنگام و اختلافات مختلف با بکارگیری تبلیغات سیاسی و روانی به اهداف نظامی سیاسی رسید. کشورهای غربی و سرمایه داری امروزه هزینه های کلانی را مصروف این می نمایند که فرهنگ غربی خود را در داخل کشورها بویژه کشورهای سنتی افزایش و گسترش داده و زمینه را برای نفوذ خود از هر زاویه ای آماده نمایند. جمعیت هدف در اتخاذ این سیاست ها از جانب کشورهای غربی اصولاً جوانان و نوجوانان هستند. چرا که آنان از پابندی کمتری نسبت به ارزشها برخوردار بوده و کمتر ملاک عقل را در صدور رفتار از خود در نظر می گیرند و بیشتر تابع احساسات و عواطف و سرگرمی های مورد علاقه خویش هستند دولت های غربی نیز با شناخت این ضعف و با تکیه بر یافته های روانشناختی در سطح اینگونه جوامع به نفوذ دقیق خود در جوامع با استفاده از ابزار ماهواره پرداخته اند آنها دائماً در پی این هدفند، که با بیگانه نمودن جوانان از فرهنگ بومی خویش و گسیل آنها به سمت ارزشها و اعتقادات غرب گرایانه مانند غربیان بخورند مانند غربیان بپوشند و مانند غربیان زندگی کنند این در حالی است که با تکیه بر آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای مربوطه نیم بیشتری از جمعیت کشور ایران جوانان هستند. (ناجی، ۱۳۸۱: ۱۱۸)
- فلذا وجود چنین زمینه ی مناسبی ضریب هوشیاری مسئولان را جهت حفاظت از ارزش ها و اعتقادات در جامعه ی جوان کشور ایران را افزایش می دهد پس با پخش برنامه های ماهواره ای ما با نوعی انحرافات گسترده در سطح کشور آن هم از سوی

قشر جوان روبرو خواهیم شد ماهواره را باید از همه ی جوانب بررسی کرد و برخورد مقطعی و عجولانه با توجه به گسترش فناوری در این وادی ثمربخش نیست بحث در خصوص وسیله ی ماهواره نیست بلکه مسئله ی اصلی نحوه ی استفاده از ماهواره می باشد. (پیشین: ۱۱۴)

مخبر کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی در زمان تصویب کلیات طرح ممنوعیت به کارگیری تجهیزات ماهواره ای در گزارش خود به مجلس این نکته را به خوبی متذکر شد و اعلام داشت: «ماهواره یکی از ابزارهای پیشرفته ی جهان فعلی است که ارتباطات دنیا را به هم نزدیک کرده است و راه پیشرفت بشر را هموارتر نموده است کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجلس محترم و همه ی موافقین و مخالفین محترم به این مطلب توجه دارند که یکی از ابزارهای فناوری فعلی، ماهواره است که استفاده ی صحیح و مطلوب از آن هیچ معنا ندارد بلکه مطلوب هم هست.» (پیشین: ۱۱۸) اما آنچه که باعث شده نمایندگان طرح و تقدیم کنندگان، این طرح را به مجلس محترم تقدیم نمایند، استفاده ی ناصحیح و نادرست از ماهواره است و آنها با نفس ماهواره، مخالفتی ندارند بلکه با آنچه الان از ماهواره ها پخش می شود و در حقیقت ابزار اصلی انحراف بشری را در بردارد، مخالفت می کنند و حق هم دارند که مخالفت کنند، امام راحل در یکی از صحبت هایشان فرمودند: «ما با تمدن و سینما مخالف نیستیم ما با فحشا مخالف هستیم...» مسئله ی ماهواره در سطح کشور ما صورتی شدیدتر و حادثه تر به خود گرفته است زیرا کشور جمهوری اسلامی ایران پرچمدار مبارزه با تهاجم فرهنگی و حفظ ارزش ها و اعتقادات درونی خود است و نسبت به سایر کشورها بیشتر به حفظ اصول و ارزشهای ملی و اسلامی اهمیت می دهد و در برابر سیاست های توسعه طلبانه و تهاجمی بیگانگان و در رأس آن آمریکا موضع گیری نموده و انعطافی از خود نشان نمی دهد. ارزش بخشی به این نظر که روحیه ی مردم ایران روحیه ای تسخیرناپذیر و غنی از فرهنگ بومی و ملی است و اینکه تأثیر ماهواره، تأثیر چندانی نیست که بتوان در مقابل آن از ساز و کارهای قانونی بهره جست در درازمدت ما را با ضرری گسترده روبرو می سازد و با اختلاف فرهنگ خودی با فرهنگ بیگانه کم کم فرهنگ خودی را به تحلیل رفته و با ایجاد نوعی نوعی التفاظ فرهنگی به مسموم ساختن افکار عمومی می پردازد باورهای مذهبی بویژه در جوانان و نوجوانان که نوک تیز تهاجم فرهنگی متوجه آنان است نمی تواند در برابر ارزشهای فرهنگی بیگانه را داشته باشند فلذا پس از مدتی دیگر خبری از پیوند مذهبی و باورهای ملی و دینی جوانان نخواهد بود. (ناجی، پیشین: ۱۱۷)

۵: توالی فاسد جرم انگاری

۵-۱- تورم قوانین کیفری

قانونگذار باید هنگام تصمیم گیری در مورد یک رفتار و تبدیل یک واقعه به قاعده و در نتیجه ورود یک رفتار به نظام حقوقی و سیاهه قوانین کیفری، تأثیرات، پیامدها و توالی فاسد این عمل را در بستر اجتماعی حاکم در نظر بگیرد. جرم انگاری متعدد و موسع، از یک طرف باعث تضییع و تحدید حوزه آزاد رفتاری شهروندان و گسترش فضای تحت حاکمیت دولت می باشد و از طرف دیگر تورم قوانین کیفری حرمت قوانین کیفری را در افکار عامه می کاهد و باعث وهن قانون می شود. جرم زدایی بالقوه در پرتو فرایند برجسب زنی، کاهش کارایی مجازات ها، عدم دقت در نگارش قوانین کیفری، تورم جمعیت کیفری و... از دیگر توالی فاسد جرم انگاری متعدد و متکثر و متنوع است.

یکی از مضار نظام عدالت کیفری، گذشته از مطالب پیشگفته، عدم عنایت به یک سیاست جنایی هدفمند در پرتو داده ها و یافته های جرم شناسی است. خود نظام عدالت کیفری ناخواسته و ناآگاهانه، نابرابریهای اجتماعی را تقویت می کند و کلیشه

های سنتی مربوط به جرم و مجرم را تداوم می بخشد و هر روز به تورم جمعیت کیفری می افزاید و مجرمین بالقوه را بالفعل می کند. (گزارش جرم زدایی اروپا، ۱۳۸۲: ۱۳) پدیده جرم انگاری ماهواره نیز از این قاعده مستثنا نیست. جرم شناسی واکنش اجتماعی قایل است وقوع جرم برای اولین بار یا دومین بار محصول نحوه فعالیت نظام عدالت کیفری است. وقوع جرم بخاطر فعل و انفعالات نهاد تقنینی است؛ چرا که بالصاق برچسب های مجرمانه بر رفتارها علی الدوام، استخدام مجرمین همت می گمارد. (ابرند آبادی، ۱۳۸۹: ۷۸۳)

از اینرو مجازات نه تنها رادع و مانع نیست؛ بلکه خود جرم زا و برچسب زن است و وجدانها را به سمت ارتکاب جرم سوق می دهد. پس به نوعی گزینش مجرمانه نسبت به افراد دست می زند. (همان: ۵۸۴)

حال ضروری است تفریماً و تفصیلاً مباحث مربوط به توالی فاسد و پیامدهای سوء جرم انگاری متعدد و متکثر توسط نهاد تقنینی را که بدون توجه به وجدان جمعی وافکار عمومی شکل گرفته را بررسی کنیم:

۵-۲- جرم زایی بالقوه در پرتو فرایند برچسب زنی

جرم شناسی واکنش اجتماعی دارای چهار شاخه است. یکی از این شاخه ها نظریه برچسب زنی (labeling theory) است. دیگری شاخه جرم شناسی واکنش اجتماعی (جرم شناسی رادیکال) (radical criminology)، مهندسی اجتماعی (organizational criminology) و بزه دیده شناسی (victimology) است. در مجموع واکنش اجتماعی قایل است، تکرار جرم محصول نظام عدالت کیفری است. فعالیت نظام عدالت کیفری بالصاق برچسب هاب مجرمانه اغلب بگونه ای ناخواسته، درد و رنج ویژه ای را بر خانواده و دیگر اجزای پیرامون مجرم وارد می کند. این محصول که اساساً محرومیت از آزادی و آسیب رساندن به حرمت انسانی است در تناقض صریح با رفاه جامعه که مبتنی بر محافظت از آزادی و ارتقای حرمت و کرامت انسانی است، دارد. (گزارش جرم زدایی اروپا، پیشین: ۲۶) تئوری برچسب زنی قایل است: جرم و کجروی پس از واکنش اجتماعی (برخورد پلیس، دادگستری) و در اثر مارک محقق می شود. بنابراین این نظریه، آغاز جرم را در واکنش اجتماعی به مجرم می بیند. بعد از واکنش اجتماعی (کیفری) و الصاق انگ مجرمانه بر متهم تکرار جرم آغاز می شود و متهم خود را با نقشی که بر پیشانی چسبیده است، هماهنگ می کند. (شیدائیان، ۱۳۸۷: ۲۳)

لاکسانی در مقام تایید جرم شناسی واکنش اجتماعی قایل است: هر جامعه مستحق همان مجرمینی است که خود پرورش داده است. بنابراین، تورم قوانین کیفری باعث جرم زدایی بالقوه در فرایند برچسب زنی می گردد. مؤید این ادعا در استخدام بیشتر مجرمین بواسطه برچسب زنی ادله زیر است:

۱. برچسب زنی از یک طرف نوع نگاه دیگران و قضاوت محیط را نسبت به مجرم تغییر می دهد و از طرف دیگر نوع تصور فرد را درباره خود وی دگرگون می سازد. رکلس قایل است هر اندازه نیروی من قوی تر باشد، فرد هنجار مندتر و سازمندتر با ارزشهای جامعه می باشد و خویشنداری و کف نفس پیشه می کند. حال آنکه برچسب مجرمیت بر فرد الصاق می شود، احساس مجرم بودن به وی دست می دهد و در ناخودآگاه او چنین شخصیتی بوجود می آید. (موسوی مجاب، ۱۳۸۷: ۲۳)

۲. برچسب مجرمیت باعث می شود، فرد آرامش خود را با همسالان مجرم بجوید.

۳. برچسب زنی باعث اتخاذ پیشه مجرمیت توسط شهروند می شود. از اینرو اگر سرقت کرد سارق حرفه ای می شود یا قتل کرد، قاتل حرفه ای می شود اگر زنا کرد، فاحشه می شود.

از اینرو جرم انگاری متنوع به علل مختلفی شرعی، عرفی، اسلامی، غربی، صنعتی موجب الصاق برچسب مجرمانه به عده کثیری از شهروندان شده است بطوریکه بزهکاری با روندی تصاعدی و فزاینده، افزایش یافته است. آمارهای ارائه شده نیمه رسمی از سوی مقامات مسئول در دهه های اخیر، مؤید این ادعاست. بند دوم: مفهوم جرم در نظریه برچسب زنی نظریه برچسب زنی ریشه در تعامل گرایی نمادین دارد. تأکید اساسی این نظریه بر قدرت برچسب زنی و شکل گیری هویت کجروانه تحت تأثیر این برچسب است. مهم ترین نظریه پردازان این رویکرد ادوین لمرت، هوارد بکر و شرو می باشد ولی افرادی مانند کارفینکل و گافمن نیز در این قالب فکری از تبیین کجروی قرار دارند. بکر معتقد است که: گروه های اجتماعی انحراف را به وسیله ایجاد قواعدی بوجود می آورند که نقص آنها، انحراف را ایجاد می کند و به وسیله کاربرد این قواعد برای افاد خاص و برچسب زدن به آنها عنوان بیگانه صورت می گیرد. انحراف کیفیت عمل فرد مرتکب (خلاف) نیست بلکه نسبتاً نتیجه کاربرد قواعد و مجازاتها برای یک مجرم است. کج روی کسی است که این برچسب به طور موفقیت آمیزی در مورد او بکار برده شده است کج رفتاری، رفتاری است که دیگران بر آن برچسب می زنند. لمرت در بحث برچسب زنی انحراف اولیه را از انحراف ثانویه تفکیک می کند، در انحراف اولیه فرد منحرف نمی شود بلکه در انحراف ثانویه است که هویت یک فرد کج رو را در نتیجه برچسب به خود می گیرد و عملاً کج روی را به عنوان یک شیوه زندگی برای خود تعریف می کند.

انحراف اولیه وضعیتی است که در آن خود، تقریباً به حرفه و منش کجروانه هیچ تعهدی ندارد، ولی در انحراف ثانویه برچسب خوردگان، رفتارشان را براساس واکنش های جامعه سازمان می دهند و به جامعه برحسب آن برحسب منفی پاسخ می دهند. شور معتقد است برچسب زنی موفق به چهار عنصر نیاز دارد:

- کلیشه سازی : یک انگاره ذهنی غیرقابل تغییر و ساده و یا الگویی ناشی از حضور سرمشق های مشخص دیداری و شنیداری است.

- برچسب زنی می تواند بعد از روی دادن، تداوم داشته باشد و ممکن است نیازمند تقویت باشد. این موضوع زمانی بوجود می آید که رسانه های جمعی یک مجرم را به عنوان بیمار ذهنی سابقه دار توصیف کنند. شور از اصطلاح «گذشته نگر» برای توصیف فرایند نگاه به گذشته برای پنهان کردن یا آشکار کردن علل رفتارهایی که در حال، اتفاف می افتند استفاده می کند. (حبیب زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۱)

- عنصر سوم شامل چانه زنی ها میان برچسب خورده و برچسب زندگان است.

- عنصر چهارم فراگیری نقش است که جنبه محدودتر از انحراف ثانویه است و با پاسخ جامعه به فرد که به عنوان مجرم یا بزهکار یا منحرف شناخته شده است، مرتبط است. فراگیری نقش، فرایندی اجتماعی- روانشناختی است که با آن فرد «پایگاه برتر» را می پذیرد. فراگیر نقش ترکیبی از کلیشه سازی، تفسیر گذشته نگر و چانه زنی است.

هارولد کارفینگل، اصطلاح مراسم «تباه شدن پایگاه» را به کار می برد که بیانگر تهمت های عمومی و کلیشه ای به افرادی است که به عنوان بی ارزش دیده می شوند. اورین گافمن نیز معتقد است که چگونه افراد هویت های خراب شده را از طریق فرایندهای داغ زنی می پذیرند. وی نمادهای منزلت که به منزلت، شهرت و موقعیت مطلوب مبتنی بر طبقه اثرگذار است و نمادهای داغ که با هویت تباه شده مرتبط است، تفکیک می کند. گافمن و کارفینکل واکنش های اجتماعی را در چارچوب تعامل گرایی نمادین قرار دادند.

ویژگی عمده این رویکرد تأکید زیاد بر قدرت برجسب زنی به افراد حاشیه ای، محروم تر و کم قدرت تر در یک اجتماع انسانی است و تا زمانی که این قدرت نباشد جرم و مجرم هم شکل نمی گیرد. بنابراین کجروی یک برساخته ذهنی ناشی از قدرت برجسب زدن بر غیر است. برخلاف رویکرد اثباتی که مجرم را به شکل طبیعت باورانه می بیند، در این نگاه در عالم واقع، به شکل طبیعی جرم و کج روی وجود ندارد بلکه افراد قدرتمند برسازنده آن هستند. رویکرد انگ زنی سرآغاز تئوری های جدید مانند پست مدرن است.

یکی از مهم ترین «معناهای» مطرح در نظریه ی میانکنش نمادین معنایی ست که مردم به خودشان می دهند - یعنی خود - انگاره های آن ها. ممکن است مردم خودشان را با عنوان های خوش قیافه، ترسو، مهربان، با ایمان، باهوش، بی ارزش یا با تمامی این خصیصه ها تعریف کنند. سپس، بر اساس معنایی که برای خودشان دارند، در مورد خودکنش نشان می دهند. خود-انگاره ی هر شخص به طور عمده از طریق میانکنش با مردمان دیگر ساخت بندی می شود. این، همان چیزی ست که مید آن را «خویشتن به عنوان یک ساخت بندی اجتماعی» و کولی آن را «خودآیینی ای» می نامد. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۷: ۱۹۸)

کوهن این دیدگاه را به خوبی توصیف می کند

امکان دارد ما ادعاهایی مطرح کنیم مبنی بر اینکه شخص بخصوصی می باشیم، ولی این ادعا باید بر حسب فرهنگ کسانی که با آن ها سر و کار داریم، درک شود و ما باید به این ادعاها استحکام بخشیم. طرح یک ادعا این گونه است که در حقیقت گفته شود: «من چنین ام و چنین شخص بخصوص ام؛ من از شما دعوت می کنم که بر این اساس با من داد و ستد کنید؛ ممکن است شما چیزهای معینی را از من انتظار داشته باشید». برای استحکام بخشیدن به این ادعا، باید آن را با پرداختن به معیار فرهنگی نقش، اعتبار بخشیم. می دانیم که این کار را هنگامی که دیگران، با پاسخ های شان، پذیرش ما را به عنوان نمونه های معتبر از نقش مشخص می کنند، انجام داده ایم. با انجام چنین کاری درک خود از خودمان را نیز تایید می کنیم.

ممکن است کسی انتظار داشته باشد کسانی که مرتکب رفتارهای مجرمانه می شوند، خود را مجرم بپندارند - یعنی، یک خود-انگاره ی مجرمانه داشته باشند. در حقیقت، بسیاری از آن ها چنین نیستند. یوچلسن و سیم نو دریافتند که حتی مصمم ترین و پیگیرترین مجرمان نیز نمی خواهند بپذیرند که مجرم اند، اگرچه می توانند مجرمیت را در دیگران به سادگی تشخیص دهند. کامرون خاطر نشان کرد که دکان زن های غیرحرفه ای اغلب منکر می شوند که اعمال شان سرقت است و رفتارهای خود را تحت عنوان های «صرفاً خلاف اخلاق یا بد» یا «مسوول، ولی در حقیقت نه مجرم» توجیه می کنند تحلیل کرسی از اختلاس کاملاً مشابه این است. اختلاس کنندگان کسانی اند که موقعیت های سپرده گذاری را در اختیار دارند و به طور طبیعی خودشان را به عنوان شهروندانی شرافتمند می پندارند. بنابراین، آن ها پیش از مبادرت به انجام کار، باید اعمال خود را «قرض صرف پول» تلقی کنند. ماتزا و سایکس استدلال می کنند اغلب اطفال و نوجوانان بزهکار پابندی آشکاری به ارزش های بزهکارانه ندارند و خود را مجرم تصور نمی کنند رفتار بزهکارانه ی خودشان با خود-انگاره شان مغایرت دارد و بنابراین، اغلب رفتار خود را با این استدلال که «آن رفتار در واقع مجرمانه نیست»، توجیه می کنند. در این راه ممکن است از پنج «شگرد خنثاگری» استفاده شود: نپذیرفتن مسوولیت (آن عمل تقصیر من نیست)؛ نپذیرفتن خسارت (آن ها از عهده ی آن برمی آیند)؛ تکذیب بزه دیدگان (آن ها استحقاق آن رفتار را داشتند)؛ محکوم نمودن محکوم کنندگان (هر کسی به هر حال به نوعی پشت هم انداز است) و توسل به علایق سطح بالاتر (من آن را برای باند انجام دادم). پلیس هایی که از خشونت غیرقانونی استفاده می کنند، آن را با توجه به ضرورت انجام وظیفه ی خود توجیه می کنند. کارگزاران حکومتی ممکن است فعالیت های

غیرقانونی خود را با توجه به «امنیت ملی» توجیه نمایند. عمل گرایان ضد جنگ که مرتکب اعمال غیرقانونی شده اند، اظهار می دارند که «مجرمان واقعی» آغازگران جنگ اند. و به طور کلی، چمبلیس و سیدمن می گویند: «بدیهی ست هر شخصی که به خاطر ارتکاب جرم دستگیر می شود، خود را بی گناه می داند؛ چرا که همیشه شرایطی وجود دارد که باعث می شود وی عمل خود را خارج از تعریف درست جرم قرار دهد» (معتمدی، ۱۳۸۶: ۱۸۵)

این نمونه ها این واقعیت را نشان می دهند که رفتارهای مجرمانه را اغلب اشخاصی مرتکب می شوند که خود را مجرم نمی دانند. این اشخاص برای حفظ یک خود-انگاره ی نامجرمانه، وضعیت را به گونه ای تعریف می کنند که بتوانند بر این عقیده باشند که اعمالشان در حقیقت جرم نیست. پس از آن، آزاد-اند که ارتکاب رفتارهای مجرمانه را ادامه داده، بی آن که خود-انگاره ی خویش را تغییر دهند.

حفظ یک خود-انگاره ی نامجرمانه برای اغلب مردم خیلی مهم است. فشار برای پذیرش یک خود-انگاره ی مجرمانه، به طور عمده به شمار کسانی بستگی دارد که شخص را مجرم معرفی می کنند، و فرایند آگاه کردن دیگران، تغلب، به عنوان یک شگرد کنترل اجتماعی به کار گرفته می شود. برای نمونه، موردی را در نظر بگیرید که شخصی دارای یک خود-انگاره ی نامجرمانه است، ولی به خاطر سرقت از فروشگاه خطاب به وی می گویند «تو یک دکان زن ای». این موضوع برای شخص تهدیدکننده است؛ دقیقاً بدین خاطر که خویشتن در فرایند میانکنش با دیگران، از جمله کارکنان فروشگاه، ساخت بندی می شود. کارکنان می توانند با افزایش شمار اشخاصی که درباره ی هویت جدید فرد چیزهایی می دانند، قدرت تهدید را افزایش دهند. ولی، تهدید نهایی نسبت به هویت عبارت است از دستگیری و محکومیت که جامعه طی آن شخص را به طور رسمی و گسترده مجرم معرفی می کند. از این دیدگاه، می توان محاکمه ی مجرم را به عنوان یک «مراسم فروداشت جایگاه» تفسیر نمود که در آن هویت عمومی شخص بر اساس میزان اجتماعی تنزل می یابد. گارفینکل معتقد است که، بی اغراق، هر جامعه ای چنین مراسمی را به عنوان یک شیوه ی کنترل اجتماعی دارد و اساساً این مراسم مشابه اند، اگر چه جوامع به طور چشمگیری با هم متفاوت اند. (دلماس مارتی، ۱۳۸۲: ۴۵)

رفتار مجرمانه که در بستر یک خود-انگاره ی نامجرمانه روی می دهد، ممکن است از شماری عوامل زیست شناسانه یا اجتماعی در زندگی شخصی ناشی شود. لمرت چنین شخصی یک «کژرو اولیه» می نامد، ولی، رفتار مجرمانه یک واکنش اجتماعی منفی در دیگران به وجود می آورد که خود-انگاره ی نامجرمانه ی شخص را مورد حمله قرار می دهد. اگر شخص نخواهد یا نتواند از رفتار مجرمانه دست بکشد، در آن صورت در برخی جاها ممکن است برای ارتکاب رفتار مجرمانه، بازسازماندهی خود-انگاره ضرورت داشته باشد؛ یعنی، یک خود-انگاره ی مجرمانه برگزیند. ممکن است این مساله به عنوان دفاعی در مقابل حمله های واکنش اجتماعی باشد. زیرا، کسانی که خود را کاملاً مجرم و نوجوان بزهکار تصور می کنند، هنگامی که دیگران آن ها را با این عنوان ها تعریف می کنند، کم تر تهدید می شوند. لمرت چنین شخصی را «کژرو ثانویه» می نامد باز تعریف خود در را به روی دست اندر کاری کامل در زندگی مجرمانه باز خواهد کرد و شخص را مجاز می دارد تا به یک حرفه ی مجرمانه پای بند باشد. در این جا، لمرت استدلال می کند رفتار مجرمانه پیش از آن که محصول عوامل مختلف زیست شناسانه، روان شناسانه و اجتماعی در زندگی شخص باشد، محصول مستقیم خود-انگاره ی مجرمانه ی شخص است. کارگزاری های عدالت کیفری، به عنوان ابزارهای نهادین واکنش اجتماعی، ممکن است در فرایندی که یک شخص توسط آن یک خود-انگاره ی مجرمانه را می پذیرد، نقشی ایفا کنند. این کارگزاری ها در مراسم های رسمی فروداشت جایگاه و میانکنش های نا-رسمی به مردم برچسب مجرم می زنند. بکر استدلال کرده همین که این برچسب به کار برده شود، برچسب

های دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد؛ به گونه ای که، دیگران به طور عمده تصور می کنند این شخص، مجرم است. (دلماش مارتی، ۱۳۸۳: ۱۶۲)

پس از آن، ممکن است چنین شخصی به خاطر قالب واره های ذهنی همگانی درباره ی مجرمان، به سوی نقش های مجرمانه سوق داده شود. برای نمونه ممکن است شخص با رهایی از زندان، به خاطر محکومیت کیفری، نتواند کاری مشروع بدست آورد و برای زنده ماندن دوباره به ارتکاب جرم رو آورد. سرانجام، کسانی که برچسب مجرم دریافت می کنند، ممکن است به طور عمده با افراد دیگری که به همین گونه به آن ها برچسب زده شده، معاشرت کنند؛ یا به این دلیل که آن ها همگی با یکدیگر نهادین شده اند یا بدان خاطر که افراد دیگر از معاشرت با آنان پرهیز می کنند. عضویت در یک گروه مجرمانه ی صرف می تواند به جای آن که باعث حفظ یک خود-نگاره ی نامجرمانه بشود، احتمال توسل افراد به یک خود-نگاره ی مجرمانه را افزایش دهد. (نجفی ابرندآبادی، پیشین: ۲۰۴)

این بحث، یکی از استدلال های اصلی رهافیت به اصطلاح برچسب زنی را نسبت به جرم ارائه می دهد؛ یعنی، فرایندهای رسمی و نا-رسمی کنترل اجتماعی می توانند ارتکاب رفتار مجرمانه را افزایش دهند. زیرا، فرایند برچسب زنی احتمال توسعه ی یک خود-نگاره ی مجرمانه از سوی شخص را افزایش می دهد. باید به چند انتقاد وارده به رهافیت برچسب زنی اشاره کرد. نخست، گاهی اوقات نظریه پردازان برچسب زنی بر اهمیتی که فرایند برچسب زنی رسمی می تواند داشته باشد، بیش از اندازه تاکید می کنند. آن گونه که آکرز خاطر نشان کرده است:

گاهی اوقات، آدمی از خواندن این ادبیات این اثرپذیری را به دست می آورد که مردم به تفکر درباره ی تجارت خودشان مشغول اند و در این هنگام - ناگهان - جامعه ی بد ظاهر می شود و آن ها را با یک برچسب بدنام سیلی می زند. فرد که به طور اجباری نقش کژرو را به دست می آورد، انتخابی جز کژرو شدن در پیش ندارد.

دوم، نظریه ی برچسب زنی معمولاً کژرو را به گونه ای به تصویر می کشد که گویی وی در برابر برچسب کژرو مقاومت می کند و تنها به هنگامی آن را می پذیرد که نتواند از آن دوری گزیند. اگر چه ممکن است این مساله در برخی موارد درست باشد، ولی به نظر می رسد که در موارد دیگر هویت فرد کژرو به طور فعال به جستوجو می افتد و شخص ممکن است یک هویت کژرو تشکیل دهد، بی آن که به طور رسمی یا نا-رسمی به وی برچسب زده شده باشد. برای نمونه، جوانانی که به یک باند بزهکار می پیوندند، ممکن است یک هویت کژرو تشکیل دهند که بر فعالیت های باندشان متمرکز شده باشد. اگر چه ممکن است برچسب زنی رسمی تغییر آن هویت را در آینده مشکل تر سازد، ولی در ابتدا جوانان را به سوی آن هویت سوق نداده است و دلیل ویژه ای وجود ندارد باور کنیم برچسب نزدن به جوان، در عوض، وی را به جستوجوی هویت پیرو قانون سوق می دهد. (سلیمی، ۱۳۸۹: ۱۳۴)

سوم، معمولاً تصدیق می شود که برای عضو نوعی پیرو قانون جامعه، که یک خود-نگاره ی نامجرمانه دارد، نقشی که دادگاه کیفری در برچسب زنی یا بدنامی دارد، شگرد اولیه ی کنترل اجتماعی ست و از اعمال واقعی مجازات ها خیلی مهم تر است. شهروند معمولی، به خاطر ترس از خود محکومیت، و نه مجازات همبسته با آن، از ارتکاب اغلب جرایم بازداشته می شود. بدین خاطر است که دادگاه ها، اغلب، قادر-اند حکم را تعلیق کنند یا مجازات های سبک همانند جریمه های جزئی یا تعلیق بدون نظارت را با کارایی کامل اعمال کنند. تنها در مواردی که محکومیت، بدنامی به دنبال ندارد - برای نمونه، پرونده های بزه مربوط به ترافیک - البته دادگاه ها به شدت بر اعمال واقعی مجازات ها در کنترل اجتماعی شهروند معمولی تکیه می کنند. کاهش اثرات بدنامی یا برچسب زنی دادگاه کیفری می تواند به افزایشی در وقوع رفتارهای مجرمانه و اعمال مجازات های

سنگین تر دیگر برای آن رفتارها منجر شود. بنابراین، پرسش اصلی این نیست که آیا نقش برچسب زنی دادگاه کیفری جرم زاست یا خیر، بلکه این است که بیش تر جرم زاست یا جرم زدا. اگر چه تحلیل این پرسش بسیار پیچیده است، ولی احتمالاً نقش جرم زای برچسب زنی بیش تر از جرم زدایی آن نیست. (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۳۷)

به تازگی، ماتسودا یک نظریه ی برچسب زنی بزهکاری مطرح کرده که بر برچسب های اعمال شده به اطفال و نوجوانان از سوی پدر - مادرشان تکیه دارد نه برچسب های اعمال شده از سوی کارگزاری های عدالت کیفری. وی دریافت که درک اطفال و نوجوانان مبنی بر اینکه دیگران آن ها را «قانون شکن» می پندارند، بزهکاری را به طور چشمگیری تحت تاثیر قرار می دهد. وی هم چنین دریافت برچسب واقعی ای که پدر-مادر به جوانان نسبت می دهند، به طور چشمگیری خود این درک را تحت تاثیر قرار می دهد. در پژوهش دیگر، هیمر و ماتسودا دریافتند که بزهکاری به طور عمده از این مساله ناشی می شود که اطفال و نوجوانان، خود را در نقش بزهکار تصور می کنند، نه از این که پدر-مادر به آن ها برچسب قانون شکن می زنند. یکی از مهم ترین عوامل این نقش پذیری، این درک جوان است که دیگران به وی به عنوان یک قانون شکن می نگرند، و عوامل دیگر همبسته با بزهکاری از طریق این نقش پذیری عمل می کنند :

جوانانی که متعلق به خانواده های قدیمی تر، غیرسیاه پوست، ساکن در نواحی شهری، و ناسالم اند، نسبت به جوانان دیگر اعمال بزهکارانه ی نخستین بیش تری مرتکب می شوند؛ که این موضوع این احتمال را که پدر-مادرشان به آن ها به عنوان قانون شکن نگاه کنند، افزایش می دهد. به نوبه ی خود، برچسب زنی توسط پدر-مادر این احتمال را افزایش می دهد که این جوانان به همسالان بزهکار ببینند و از دیدگاه دیگران خود را قانون شکن ببینند؛ که این مساله، در نهایت، احتمال بروز رفتار مجرمانه را در آینده افزایش می دهد. (معمدی، ۱۳۸۶: ۹۰)

هیمر و ماتسودا هم چنین دریافتند که جوانان سیاه پوست اعمال بزهکارانه ی نخستین کمتری مرتکب می شوند تا جوانان غیرسیاه پوست. ولی، با کنترل بزهکاری پیشین، احتمال بیشتری وجود دارد پدر-مادر جوانان سیاه پوست به آن ها برچسب «قانون شکن» بزنند. سپس، این موضوع به بروز دیدگاه های فزاینده درباره ی خود به عنوان یک قانون شکن، و معاشرت های فزاینده با همسالان بزهکار منجر می گردد، که هر دوی این ها احتمال بزهکاری را در آینده فزونی می بخشند. بنابراین، هیمر و ماتسودا در مورد جوانان سیاه پوست دریافتند که داده هایی چند در حمایت از این بحث برچسب زنی سنتی که برچسب های مجرمانه درباره ی جوانانی به کار گرفته می شود که بویژه بزهکار نیستند و در آن صورت، آن برچسب ها سطح بالاتری از بزهکاری را در آینده به وجود خواهند آورد، وجود دارد. توجه به آمار ذیل گویای وضعیت نامساعد بحران زده قوه قضائیه در حوزه عدالت کیفری است. (حبیب زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۱)

موضوع	سال ۱۳۷۳	سال ۱۳۷۴
قتل عمد	۶۵۷	۲۹۴۷
قتل غیر عمد	۴۸۶۵	۱۷۸۴۸
ایراد ضرب و جرح	۴۰۹۸۴	۲۳۲۷۸۱
تخریب	۸۶۰۵	۴۴۵۴۴
اعمال منافی عفت	۱۱۰۱۵	۵۱۷۳۵
اختلاس، ارتشاء و جعل	۱۴۳۳۴	۸۴۳۵۱

۱۳۸۶۳۹	۲۳۱۷۰	سرقت
۹۳۱۶۲	۱۹۴۶۵	تصرف عدوانی و مزاحمت
۲۶۸۸۱۳	۵۲۴۷۴	صدور چک بلامحل
۱۶۴۷۶	۶۰۰۶	شرب خمر
۹۲۳۶۰	۱۶۱۵۴	رانندگی بدون گواهینامه
۱۸۵۹۵۲	۱۰۰۸۴	تخلفات راهنمایی و رانندگی
۸۴۶۶۴	۱۴۶۷۵	امور خلافی
۲۵۷۸	۱۴۲۹	قذف

۵-۳- افزایش جرم و جمعیت کیفری

از دیگر آثار و نتایج تعدد قوانین کیفری، تورم پرونده های کیفری و به تبع آن افزایش جمعیت کیفری است. افزایش جمعیت کیفری می تواند شاخص خوبی برای تشخیص افزایش جرم باشد. البته ناگفته پیداست که جمعیت کیفری به میزان افرادی گفته می شود که در زندان بسر می برند. بی جهت نیست که زندان را محک داوری تمدن یک جامعه دانسته اند. جرم انگاری بیشتر، جرایم بیشتر به همراه دارد؛ چرا که جرم انگاری فرایندی است که رفتار آزادی را در زیر چتر حمایتی کیفری قرار می دهد. بنابراین بالصاق هر برچسبی بر رفتار آزاد شهروندان، فضا و دایره آزاد رفتاری شهروندان محدودتر و حوزه حاکمیت دولت موسع تر می شود و امکان وقوع جرایم در افراد بیشتر می شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰: ۱۷۶)

از نظر روانشناسی تورم قوانین کیفری و تعدد ممنوعیت ها، انسان را حریص ببار می آورد (انسان حریص علی مامنع). تقویت بیش از حد روحیه جستجوگری انسان را در این راستا و از طریق محدودیت و ممنوعیت متعدد، انسان را به سمت وقوع جرم سوق می دهد و موجبات آنرا فراهم می کند. در واقع ایجاد اعتقاد قلبی و باورمندی افراد در جهت احترام به قانون به مراتب در جلوگیری از وقوع جرایم، مؤثرتر از محدودیت ها و ممنوعیت هاست.

۵-۴- ناکارایی قانون

از دیگر عوامل تورم قوانین کیفری، وهن و ناکارایی قانون است. قانونی که برخاسته از قلب و متن و بطن ملت و ترجمان خواسته های آنها نیست با بی حرمتی و نهایتا ناکارایی مواجه خواهد شد. قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات ماهواره ای مصوب ۷۳/۱۱/۲۳ بدون توجه به وجدان جمعی و افکار عامه تصویب شد. شهروندان بدون عنایت به مواد مصوبه در این مقام، به استفاده از تجهیزات ماهواره ای مبادرت کردند. ژان ژاک روسو در کتاب قرارداد اجتماعی به شکلی بسیار زیبا مینویسد: مهمترین همه قوانین آن نیست که بر لوح سنگی یا تخت فلزی نقش بسته است بلکه مهمترین قوانین آن است که بر قلب شهروندان نقش بسته است و این قانون؛ قانون واقعی و حقیقی یک ملت است. در جایی دیگر قایل است: وقتی بنایی تصمیم به ساختن بنایی بزرگ میگیرد ابتدا زمین محل ساخت را ارزیابی میکند که آیا این زمین تاب تحمل ساختمان را دارد یا خیر قانونگذار نیز باید هنگام وضع قانون بسنجد که آیا ملت تاب تحمل این قانون را دارد یا خیر؟

(روسو، ۱۳۸۴: ۷۸) مقام تقنینی در سال ۱۳۱۳ که تازه رادیو وارد ایران شده بود برای جلوگیری از تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی علیه خود توسط کشورهای غربی، استفاده از آنرا منوط به مجوز کرد. نظمیه وقت موظف به جمع آوری آنتن های نصب شده بر پشت بام بود.

حال امروز دیگر نیازی به نصب آنتن برای استفاده از رادیو نیست. رادیو به اندازه قوطی کبریت ساخته شده است. چنین رویکردی در دیروز، امروز با تدوین قانون محدودیت و ممنوعیت استفاده از ماهواره، تکرار شده است. (کلانتری، ۱۳۸۶: ۷۰) بنابراین حقوق کیفری در پناه تصویب مداوم و متنوع قوانین کیفری تضعیف شده است. قانون کیفری برای شهروندان همچون داروی آنتی بیوتیک است که استفاده بیش از حد آن، مضر و استفاده صحیح آن کارایی بیشتر و بهتری برای بدن دارد. اگر جامعه به جرم انگاری بدون توجه به افکار عمومی و جرایم کم اهمیت به تویب مستمر قوانین کیفری اهتمام ورزد، بزهکاران کم خطر نیز وارد پروسه دادگستری می شوند و در نتیجه قضاوت سوء محیط به سمت جرایم بزرگتر گردش پیدا می کنند. (شرمن، ۱۳۸۶: ۲۱۱)

۵-۵- لطمه به آزادیهای فردی حوزه خصوصی افراد

تورم قوانین کیفری، اقتداری بی روح و مبهم از هر زاویه بر زندگی شهروندان را پوشش می دهد، انحراف و بزه با پاسخ دولتی سازمان بخشیده می شود. بنابراین اغلب رفتارهای شهروندان اعم از بزه و انحراف در یک پیکره واحد توسط دولت تعقیب و سرکوب می شوند. (حسینی، ۱۳۸۸: ۶۶)

بنابراین آزادی و کرامت انسانی مورد حمایت واقع نمی گردد. چنین رویکردی اغلب در نظام هایی صورت می گیرد که مشروعیت لازم را ندارد و با مداخله در مسایل شخصی و خصوصی و حق خلوت افراد از طریق حقوق کیفری سعی در قوام و دوام بخشیدن حکومت خود هستند. (ابرنادآبادی، پیشین، ۱۱۲۵)

در گزارش جرم زدایی اروپا، حق تحمیل عقاید فلسفی، مذهبی و سیاسی خلاف موازین دموکراسی و لیبرال تشخیص داده شده است. آقای پیرآلیوت - نخست وزیر اسبق کانادا - قایل است دولت به رختخوابهای مردم کاری ندارد. این نکته حاکی از عدم دخالت دولت در مسایل شخصی و تصمیم گیریهای افراد است. چه نیکوست حاکمیت با احترام به حق خلوت شهروندان به جرم زدایی استفاده از تجهیزات ماهواره ای دست زند تا شاهد تقابل دولت و ملت نباشیم. (گزارش جرم زدایی اروپا، پیشین: ۵۵)

نتیجه گیری

درمانحن فیه با بررسی جرم انگاری استفاده از تجهیزات ماهواره ای از طریق افکار عمومی واقف شدیم که لازم است برای ورود یک رفتار به سیاهه قوانین کیفری اولاً برابند مضار و منافع آن رفتار توسط حاکمت و نظام تقنینی سنجیده شود ثانیاً نظام تقنین هیچ گونه راه حل مسالمت آمیز و پیشگیرانه ای در قبال جلوگیری از آن رفتار ضد اجتماعی نداشته باشد. توجه مقام قانونگذار به فیلترها و پالایش های فوق قبل از جرم انگاری از اهمیت بسزایی برخوردار است. توجه به فیلتر وجدان جمعی در این تحقیق بیش از سایر فیلترها بوده است. در فرایند تحقیق واقف شدیم توجه به افکار عمومی و وجدان جمعی در جرم انگاری ماهواره بخوبی مورد توجه قانونگذار واقع نشده است. قانونگذار با جرم انگاری استفاده از تجهیزات ماهواره ای باعث تقابل شهروندان و شهرداریان شده است. پیشینه موضوعی تاریخی این موضوع به ۱۳۱۳ یعنی جرم انگاری رادیو و ویدیو برمی گردد زمانی که مردم برای استفاده از رایو از آنتن بر روی پشت بام استفاده میکردند و شهرداری موظف به جمع آوری این آنتن ها بود. امروز تکرار این تجربه تاریخی در ماهواره تجسم و تبلور پیدا کرده است. کنترل استفاده از تجهیزات ماهواره ای چه بصورت اجباری از طریق جمع آوری هلیکوپتر و یا حربه کیفری جزای نقدی دارای تبعات منفی زیادی است که از آن جمله تورم جمعیت کیفری، تورم زندان ها، افزایش هزینه های دادگستری، گسترش حس انتقام جویی در شهروندان و... می باشد از اینرو لازم است نظام تقنین همسو با اندیشه مدنی شدن حقوق کیفری، قضازدایی، جرم زدایی، کیفر زدایی، و گسترش متدهای پیشگیرانه

و فرهنگی در جهت عقب نشینی حقوق کیفری در استفاده ماهواره اهتمام و اقدام ورزد و بجای طرق کیفری به گسترش فضای شبکه ای ماهواره ای و فرستادن ماهواره در فضای حاکمیتش اقدام کند.

منابع و مآخذ

۱. ابرند آبادی، علی حسین، مجموعه تقریرات جرم شناسی، تهران: انتشارات شهید بهشتی.
۲. بردبار، محمدحسین، درآمدی بر حقوق ارتباطات، چ، تهران: ققنوس، ۱۳۸۴.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، چاپ تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸.
۴. حبیب زاده، مقاله آسیب شناسی تورم قوانین کیفری و راههای برون رفت از آن، تهران: دانشگاه مدرس، ص ۱۴۱.
۵. حسینی، سیدمحمد، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی، چ ۱، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
۶. حجتی اشرفی، غلامرضا، مجموعه کل قوانین و مقررات جزایی، تهران، گنج دانش ۱۳۸۵.
۷. دورکهایم، امیل، درباره ی تقسیم کار اجتماعی، چ ۲، تهران، مرکز، ۱۳۸۴.
۸. دلماس مارتی، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، ترجمه سید محمد حسینی، تهران: ص ۲۳۷.
۹. رفیعی، غلامرضا، مقاله ضرورت توسعه و تحول حقوق بین المللی فضایی در هزاره ی سوم، گروه مطالعات حقوقی و سیما، تهران، سروش ۱۳۸۱.
۱۰. رسولی، مقاله مخاطب شناسی تلویزیون ماهواره ای روزنامه ی جام جم، ۱۵ شهریور ۱۳۸۶.
۱۱. روسو؛ ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۴، ص ۲۸.
۱۲. زمانی، سیدقاسم، مقاله جایگاه اصل آزادی در حقوق بین المللی رعی، صص ۷-۵ گروه مطالعات حقوقی صدا و سیما تهران، سروش ۱۳۸۱.
۱۳. سلیمی، علی، داوری، محمد، جامعه شناسی کجروی، چ ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۱۴. شیدائیان، جزوه تقریری جرم شناسی، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، صص ۸۳، ۸۴ و ۳۷.
۱۵. شرم، لارونس، جرم شناسی و جرم انگاری، چالش علم ضمانت اجرای کیفری، ترجمه روح الدین کرد علیوند، مجله حقوق قضایی دادگستری ۱۳۷۹، ش ۳۳، ص ۶۷.
۱۶. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، چ ۹، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۱۷. قیاسی، جلال الدین، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، ج ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۸. کلانتری، کیومرث، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، بحران در سیاست جنایی ایران، ۱۳۸۷ صص ۷۰ به بعد.
۱۹. گزارش جرم زدایی اروپا، جمعی از نویسندگان، تهران: دانشگاه تهران، ص ۲۹.
۲۰. معتمدی، سیدهادی، اولویت بندی آسیب ها و مسائل اجتماعی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، بهار ۱۳۷۶، دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی.
۲۱. مجموعه قوانین چهارمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، تنظیم اداره ی کل قوانین، چاپ مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۲. موسوی مجاب، سید درید، جزوه ی درسی جامعه شناسی جنایی، ۸۶-۱۳۸۵.
۲۳. موسوی مجاب، سید درید، مقاله ی جرم انگاری، ضمیمه درس جرم شناسی، صص ۱۲-۲.

۲۴. موسوی مجاب، جامعه شناسی جنایی، (نگرش بر نظریه های جرم شناسی) جزوه تقریری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ۱۳۸۷-۱۳۸۶، صص ۱۶-۱۷.
۲۵. متن کامل مذاکرات به روزنامه رسمی شماره ۱۴۴۴۶ و شماره ۱۴۴۴۹ درباره ی مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در جلسه ی ۲۵۳ و ۲۵۴ مورخ ۲۹ شهریور ۱۳۷۳.
۲۷. منصور، جهانگیر: مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی، جلد دوم، نشر دیدار، ۱۳۷۸.
۲۸. ناجی، مرتضی، مقاله ی چشم اندازی به ابعاد فرهنگی - اجتماعی حاصل از ارسال و دریافت مستقیم برنامه های ماهواره ای، صص ۱۱۸-۱۱۴ گروه مطالعات صدا و سیما، تهران: سروش ۱۳۸۱.
۲۹. ناجی، مرتضی، مقاله ی چشم اندازی به ابعاد فرهنگی - اجتماعی حاصل از ارسال و دریافت مستقیم برنامه های ماهواره ای، صص ۱۱۸-۱۱۴ گروه مطالعات صدا و سیما، تهران: سروش ۱۳۸۱.

Investigating why the criminalization of satellite and social network filters and the corrupt sequence on it under the shelter of collective conscience

Mohsen Rezaei

A basic lawyer of a Shiraz court and a master's student in criminal law and criminology at Azad University, Mamsani branch

Abstract

Background and Purpose; In Iran, according to the law "Prohibition of using satellite receiving equipment 23/11/1373" is prohibited. In a general summary, the supporters of the plan have cited the justifications of the parliament members for the criminalization of the satellite, the effect of the satellite on the cultural, religious and national identity, the values and foundations of the family and the fatwa of the Taqlid authorities, and the opponents have cited the ineffectiveness of this law and the They have cited physical and negative. Multiple and extensive criminalization, on the one hand, causes the degradation and limitation of the freedom of behavior of citizens and the expansion of the space under the government's rule, and on the other hand, the inflation of criminal laws reduces the sanctity of criminal laws in public opinion and causes the law to be violated. Potential decriminalization in the light of the labeling process, reduction of the effectiveness of punishments, inaccuracy in the writing of criminal laws, inflation of the criminal population, etc. is another corrupt sequence of multiple and diverse criminalization. **research method;** In this article, according to the nature of the subject, it will be analytical and descriptive. By studying journals and scientific-research articles and emphasizing on valid legal books, the researcher has collected data and collected data in a library manner and then written the legal data after analysis and review. **research findings;** The findings of the research show that 1-In the criminalization of the use of satellite receiving equipment, no attention has been paid to the collective conscience of the society, and this law is in conflict with the collective conscience. 2-The criminal justice system can address the challenge in this position by changing the legal criminal policy through the collective conscience of the society and the decriminalization of satellite receiving equipment.

Key word: Monthly criminalization, collective conscience, criminal inflation, labeling
